



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

# زیبایی شناسی شهری: ظهور و توسعه

## چکیده

در آغاز هزاره سوم، وقتی که سکونت گاه‌های شهری به دلیل شرایط کار و زندگی‌ای که در اختیار می‌گذارند شلوغ و شلوغ‌تر می‌شوند، زیبایی شناسی شهری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. این از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا رشد جمعیت در برخیاز شهرها مستقیماً بر معماری شهر تأثیر نهاده و تعیین کننده رشد ساختمان‌های مسکونی است که به ندرت متناسب با قوانین زیبایی است.

هدف این مقاله، برجسته سازی لزوم و ضرورت زیبایی شناختی شهری و نقش معماری شهری در توسعه شهر در راستای دست یابی به یک ترکیب کامل بین سودمندی و لذت است.

کلمات کلیدی: جغرافیای شهری، زیبایی شناسی شهری، محیط

## 1- مقدمه

توجه دقیق به توسعه جامعه شهری در چارچوب فضای زندگی و حیات، که به طور ضمنی اشاره به سنت یونانی- لاتین و یهودی-مسیحی دارد، ما می‌توانیم برخی حقایق مهم را در رابطه با شیوه ظهور و توسعه زیبایی شناختی شهری مطرح کنیم.

یک نقش مهم در توسعه زیبایی شناختی شهری دو فرهنگ (یونانی- لاتین و یهودی-مسیحی)، توسط تئوری‌های مربوط به زیبایی ایفا می‌شود که سه مفهوم مجزا را در بر می‌گیرند: زیبایی با مفهوم و معنی وسیع خود: زیبایی و اخلاقی: زیبایی با اهمیت و معنای منحصراً زیبایی شناختی خود که موجب تحریک احساسات زیبایی شناسانه در برابر رنگ، صدا و تفکر می‌شود، زیبایی در معنای زیبایی شناختی خود که تنها محدود به زمینه‌ها و مناطق بصری است (مورار 2003).

از این روی، ظهور تمدن شهری در بین النهرین و بعدها در یهودا، یونان باستان و رم، با ترکیب عناصر مادی آن با چشم اندازهای اخلاقی-زیبایی شناختی و فلسفی واقعی آن در دنیا از یک دوره خاص به وقوع پیوست.

بدیهی است که زندگی شهری، دارای امکانات خاصی است ولی هم زمان، با ایده نظم، شاخص، تعادل، هماهنگی و قدرت همراه است. به منظور ایجاد یک تعادل بین مفهوم شهر نشینی به طور کلی و زیبایی شناختی به طور اخص، تأیید و آگاهی از نقش مهمی که اشکال ایفا می کنند لازم است (هارتمن 1974)، زیرا شکل/ بعد/ معماری ساختمان‌ها/سازه‌ها/ ساختارها در مناطق شهری، اولین چیزی است که توجه هرکسی را به خود جلب می کند. از سوی دیگر، زیبایی شناسی شهر به شکلی قوی بر روح و شخصیت شهر اثر می گذارد (کرنسکو 2001).

از این روی، به طور ضمنی، ایده یک بعد زیبایی شناسی، اغلب در چارچوب تمدن شهری مورد بحث قرار می گیرد (یوانو 1998). تا حدودی در شهر، مؤلفه زیبایی شناختی لزوماً با مؤلفه سودمندی و مطلوبیت، ایمنی زندگی، قدرت و کم تر با یک بعد مقدس تکمیل می شود. در واقع ما نبایستی فراموش کنیم که شهر مکانی برای پرستش خدایان یا خدای واحد با سه مذهب ابراهیمی: یهودی، مسیحی و اسلام است.

در رابطه با پیروزی و گسترش مسیحیت و به خصوص، ادغام مسیحیت با جمعیت های بربر، ویژگی ساده و روستایی فضای مدیترانه ای با تخریب فضا های زندگی شهرهای مستحکم همراه بود. یک شاهدی مبنی بر این، تفاسیر ارائه شده توسط نمایندگان مکتب انالس (ژاک لوگف، جورج دوبی، ژان دلموو) است که نشان داده اند که کیفیت زندگی در شهرها بسیار پر مخاطره است زیرا حداقل شرایط سازگاری وجود ندارد. در این رابطه، ما یک مثال کوتاه را ارائه می کنیم: طاعون سیاه که اروپا را در 1348 مبتلا کرد تقریباً 40 درصد جمعیت را کشت زیرا بیشتر افراد مبتلا ساکنان شهرها بودند.

در دوره انباشت سرمایه اولیه، دو فرایند متناقض مطرح شد: از یک سو، کیفیت زندگی برای افراد طبقه بالاتر افزایش می یابد و از سوی دیگر، شرایط زندگی نامطلوب و فقر برای طبقه پایین تر ایجاد می شود. تخریب محیط زیست را نیز می توان به این افزود چرا که محیط زیست تنها معنی بهره برداری تنها در نظر گرفته شده است.

در انقلاب صنعتی واقعی، که در انگلیس ظهور کرد و سپس وارد فرانسه و کشورهای توسعه یافته اروپایی شد و پس از 1870 میلادی وارد امریکا گردید، فرایندهای متناقضی رخ داده و محیط زیست تا حد زیادی تخریب شد. با این حال، در طی انقلاب صنعتی، شرایط مادی برای تحول بهداشت- زیبایی در چشم اندازها و فضای سبز شهری ایجاد شد. برای مثال، از بینوایان ویکتور هوگو می توان این طور نتیجه گرفت که در 1830 وقتی که انقلاب رخ داد، فاضلابها و آب های خیابانی پاریس وارد زیر زمین های شهری می شد به این معنی که آب قبلاً به عنوان

ابزاری مهم برای اطمینان از سلامت عمومی و نیز افزایش درجه ایمنی زندگی استفاده می‌شد. از این زمان به بعد بیماری‌هایی نظیر وبا و طاعون عملاً ریشه کن گردید.

بیشتر ساختمان‌های شهری که توسط بارون هاسمن که پاریس را بر اساس معیارهای سیاسی، اخلاقی، زیبایی شناسانه و سودمند گرایانه باز سازی کرد، افتتاح می‌شدند، بیانگر این واقعیت است که شهر دارای کارکردهای ویژه‌ای است و بیانگر پارادایم تمدن صنعتی و پسا صنعتی است.

در 1924، لوکوربوزه چهار میلیون پروژه پاریس مدولار 1 را راه اندازی کرده و وقتی که باوهاوس به رهبری وان دویسبرگ در 1929 ایجاد شد، ایده اصلی این بود که شهر یک سیستم مصنوعی است که بایستی طبیعت اطراف، را همراه با چشم پوشی برخی از عناصر در نظر گرفته و از طریق سایر عناصر اجرا شود.

در خصوص وضعیت فضای رومانیایی، پس از ایجاد اتحادیه، مسائل شفاف شهری اشکار شده و حتی با برخی تمایلات محیط زیستی خاص، بیشتر پروژه‌ها در مناطق شمالی و مرکزی پایتخت ظهور یافتند. برای مثال، همه بحثها در خصوص قله پیروزی از حیث مدل زیبایی شناختی هاسمن برای پاریس مطرح شدند.

مطالعات زیبایی شناختی و شهری جورج دوکا یا میشل اسفینتسکو تا حدودی همزمان با مطالعات انجام شده در زمینه فضای اروپاییاست. تفاسیر و کاربردها در خصوص این افق ساختاری اروپا، متفاوت از تفاسیر و ساختارها در افق امریکا می‌باشد به خصوص از افق‌هایی که با ایجاد کلانشهر نیویورک تعریف شدند.

هدف مسائل زیبایی شناختی واقعی پس از جنگ جهانی دوم، نه تنها مؤلفه‌ها و اجزای مربوط به تقارن، نسبت‌ها، محورها، آرمان شهرها بود، بلکه مربوط به ترکیبی از عناصر فناوری با بهداشت، زیر ساختهای فضای عمومی بود که در آن‌ها افراد فعالیت می‌کردند: بازارها، پارک‌ها، باشگاه‌ها و بلوارها و غیره.

از این نقطه نظر می‌توان گفت که، قرن بیستم، فضای تنش نه تنها از نظر ماهیت سیاسی بین دموکراسی‌های آزاد و دیکتاتوری‌های نازی و استالین، بلکه از نظر رقابت بین مدل‌های شهری- زیبایی شناختی بود. از این روی، برای مثال فاشیسم، نازیسم و استالینیسم به عنوان یک نمونه‌ای از مقوله زیبایی شناختی-شهری مطرح بوده است، اگرچه رژیم‌های دموکراتیک عظمت و بزرگی را در معماری شهری نادیده نگرفته‌اند، با این حال آن را در رتبه دوم پس از نقش‌های عملکردی و سودمندگرایانه قرار داده‌اند.

در صورتی که هدف ما بررسی این تکامل باشد، می‌توان نتیجه گرفت که فراتر از تفاوت‌های رویکردی که مرتبط با رژیم‌های سیاسی هستند، برخی محدودیت‌های خاص وجود دارند که مرتبط با شیوه استدلال منطقی کارآمد فضای شهری هستند.

می‌توان گفت که در رابطه با پروژه‌های جهانی جدید و ظهور اصول اخلاقی جدید، یک اخلاق زمینی جدید موجب شده است تا نیازمندی به در نظر گرفتن یک مؤلفه زیبایی شناختی در چارچوب یک متغیر بسیار گسترده باشد که به مدت قرن‌های متمادی، کیفیت زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است.

در این جا لازم به ذکر است که رومانی دارای عناصر مشابه بسیاری از حیث توسعه شهری سریع با مؤلفه‌های ساختاری پیشین جامعه گرایبی دقیق می‌باشد. ما در ابتدا شهرهای  $1 \text{ bedroom}$  و نبود عناصر زیر ساختی ضروری را برای یک زندگی متمدنانه در نظر می‌گیریم.

هم چنین ما نبود یک برنامه راهبردی بلند مدت را برای کل قلمرو رومانی بر اساس یک مدلی که در اروپا و غرب امریکا عملکرد خوبی داشته است به این لیست اضافه می‌کنیم. به طور دقیق‌تر، اگرچه طرح‌های توسعه‌ای خاصی وجود دارند، با این حال این قانون همیشه تبصره‌هایی را داشته است به طوری که:

- متأسفانه، هیچ گونه سبک واحدی برای شهرهای رومانی وجود ندارد. در بهترین حالت، حس زیبایی گرایانه یا زیبایی شناختی غالب است و در بدترین حالت، نبود تعادل بین ساختمان‌ها، از اطراف شهرهای بزرگ و نیز مناطق روستایی سابق که به شهر افزوده شده‌اند غالب می‌باشد.
- در این زمینه، ما این موضوع را مطرح می‌کنیم که جدا از سبک عجیب و ناهنجار، یک یک حس کیتچ ایجاد می‌شود از این روی یک تصویر ناامید کننده و نامطلوب را می‌توان به صورت زیر توصیف کرد: شهرهای بدون تاسیسات آب دائمی و با ساختمان‌های چند بعدی که همانند قصر و قلعه‌های قرون وسطایی هستند
- آن چه که به صورت یک راهبرد ملی برای توسعه پایدار در رومانی مطرح شده است، تنها به صورت موقت و تا سال 2030 است (با دو فاز میانی 2013 و 2020) و در صورت تکمیل، موجب رشد زیبایی شناسی حیات در جوامع شهری آینده رومانی می‌شود. توسعه پایدار بایستی فرد محور و متمرکز بر مردم باشد و مفهوم توسعه پایدار انسان را بیان کند (مالیتا 1998). در رابطه با مناطق شهری، ما بر این حقیقت تاکید داریم که توسعه

<sup>1</sup> مناطق حومه شهری که در آن‌ها جوامع بسیاری زندگی می‌کنند.

پایدار بایستی دو مختصات اصلی را در نظر بگیرد: از یک سو بایستی سیاست و خط مشی حفاظت از محیط زیست را در نظر گرفت که قابل تعمیم به قلمرو شهری است و از سوی دیگر بیانگر یک رویکرد و ترکیب هماهنگ میان اجزای مختلف زیست محیطی، ابعاد اقتصادی و عدالت اجتماعی است (گیگا 2004).

## 2- اثر متقابل بین زیبایی شناختی شهری و محیط زیست

محیط زیست: محیط زندگی انسان نتیجه همبستگی پیوسته و دایمی بین عناصر محیط جغرافیایی است (کاکو و سور 2001). یک رابطه تنگاتنگ و نزدیک بین ویژگی‌هایی وجود دارد که پایه و اساس انواع محیط‌ها از جمله محیط شهری و فیزیونومی واقعی شهر محسوب می‌شود. منطق شهری بر اساس شدت پدیده‌های مولدی است که ارتباط نزدیکی با تنوع زیستی انواع فضا است. منطقه شهری دارای عناصر واقعی می‌باشد که در بر گیرنده ارزش‌های فرهنگی و سنتی است (مهدینتی 1999). منطقه شهری بیانگر یک تعادل منطقی بین رفتارهای اصلی شهر است. تحت فشارهای جزئی و خاص (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی)، منطقه شهری گاهی اوقات تغییر یافته و منتهی به تغییر الگوهای اولیه می‌شود (والد 2008).

این مسئله مربوط به فازهای توسعه‌ای خاص شهر رومانی به خصوص در دوره تکاملی از نیمه دوم قرن بیستم و کم‌تر در دهه آخر قرن بیستم و ابتدای قرن 21 می‌باشد. در هر دو مورد، کیفیت محیط شهری رومانی، عمیقاً تحت تأثیر گرایش‌های شهری جدید، مدرن و پست مدرن است.

از طریق چشم انداز معماری مدرن، تلاشی در راستای حذف یکنواختی معماری در نیمه دوم قرن بیستم و بیان مانیای بزرگ و سبک کربوکوس که منجر به اختلال زیبایی شناختی شهری می‌شود، صورت گرفته است. پس از 1989، در فاز دوم توسعه، یک تغییر سریع به سمت آشفتگی‌ها و هرج و مرج‌های معماری وجود داشته است که منجر به تغییر سنت و ویژگی‌های شهری بومی در راستای تخریب روابط شهر-محیط شده است. از سوی دیگر، محیط زیست تحت تأثیر اثرات منفی روابط همجواری با شهرهای بزرگ که منجر به تخریب محیط زیست از طریق آلودگی صوتی، سطوح گرد و غبار بالا و غیره شده است، قرار می‌گیرد (لون لوناس ویفرد هلر 2006).

این تغییرات منجر به نادیده گرفتن مسائل اصلی شهرگرایی مدرن، کیفیت ویژگی‌های مربوط به آرامش و راحتی شهری و حفظ سطح برتر سلامت شده است.

## 3- نتیجه گیری

نتیجه گیری اصلی در این مقاله این است که توسعه شهری رومانیایی در سال‌های اخیر، بدون توجه به قوانین اولیه زیبایی شناسی و بدون حفظ یک تعادل حداقل بین محیط‌های طبیعی و مصنوعی صورت گرفته است. اغلب اوقات، ساختمان‌ها و به خصوص ساختمان‌های مسکونی بر روی محور عمودی، ساخته می‌شوند، زیرا آن‌ها بر طبق یک الگو بدون عناصر فرد گرایی ظاهر می‌شوند. یکنواختی ایجاد شده قبل از 1989، با هرج و مرج معماری و تخریب پیوسته سنت‌های بومی از حیث شهرگرایی جایگزین شد.

به منظور مقابله با اثرات منفی ساخت و سازها در طی سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای باید به برنامه ریزی آینده شهری معطوف شود به طوری که شهرها، بدون توجه به اندازه آنها، از توسعه هرج و مرج و بی نظمی جلوگیری کرده و نه تنها دارای ویژگی‌های کارکردی باشند بلکه دارای ویژگی‌های زیبایی شناختی بوده و به طور هماهنگ، سطوح مصنوع مورد نظر برای فضاهای سبز و تفرجگاهی را ترکیب کنند.

این کار در صورتی امکان پذیر است که معماران و متخصصان سایر رشته‌ها نظیر جامعه شناس ها، روان شناس ها و انسان شناس ها، برای تحقق استفاده بهینه از فضا و ترکیب متعادل بین سطوح مصنوع (صرف نظر از نوع و مقصد ساخت و ساز) و مکان‌های تفرج و استراحت، همکاری کنند.

زیبایی شهرها از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا اثر مثبتی بر روی اخلاق جمعیت دارد، و این در حالی است که اهمیت زیبایی شناسی شهری ناشی از این اثرات سودمند بر روی فرهنگ و آموزش هنری جمعیت است. به جز اثرات اخلاقی زیبایی شناسی شهری، ما بر این باور هستیم که زیبایی شناسی شهری اثرات مثبتی از دیدگاه مادی دارد و برای تأیید این گفته، ما متکی به این واقعیت هستیم که شهرهای با معماری زیبا دارای مکان‌ها و یادبودهای معرفی می‌باشند که تعداد زیادی از بازدید کننده‌ها و توریست‌ها را به خود جلب کرده و حتی در مقیاس ملی و بین المللی اهمیت آن‌ها متجلی می‌شود.

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی